

فرا ترکیب عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای فناورانه نوپا در اکوسیستم کارآفرینی

راحیل کرد حیدری^۱ - فرشته منصوری مؤید^{۲*} - سیدحمید خداداد حسینی^۳
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی بین الملل دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت

مدرس

۲. استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۳. استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۵

چکیده

نقش کلیدی کارآفرینی و کسب و کارهای فناورانه نوپا در روند رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشورها روشن است. به عنوان یک قاعده کلی، شکل گیری و عملکرد مناسب چنین کسب و کارهایی در گرو عملکرد مطلوب مقوله‌ای با عنوان اکوسیستم کارآفرینی معرفی می‌شود. از این رو، توجه به عوامل موجود در این اکوسیستم و تأثیرگذاری آنها بر کسب و کارهای فناورانه نوپا، ضروری و هم‌سو با معانی افزایش توسعه اقتصادی و صنعتی و ایجاد مشاغل گوناگون در جوامع است. روش پژوهش حاضر برحسب هدف، بنیادی و برحسب روش گردآوری اطلاعات، فرا ترکیب است. همچنین جامعه آماری، مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش در مجلات Scopus و Web of Science بوده و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات داده‌های ثانویه کتابخانه‌ای است. در فرآیند این تحقیق، ابتدا با استفاده از روش فرا ترکیب، ابعاد و مؤلفه‌های محتمل اکوسیستم یادشده شناسایی شد. سپس با بهره‌گیری از نظر خبرگان، نتایج حاصل از این روش مورد تحلیل و راستی‌آزمایی قرار گرفت. بر این اساس ۱۲ مؤلفه سیاست‌گذاران، مؤسسه‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها، حمایت‌گران، بازارها، عوامل سازمانی، انکوباتورها، شتاب‌دهندگان، سرمایه‌گذاران، نهادها، بازیگران و ذی‌نفعان، فرهنگ و اجتماع، و عوامل فردی با در برداشتن ۳۶ مفهوم در ۳ بُعد خرد، میانی و کلان نتیجه‌گیری شده است.

واژه‌های کلیدی: اکوسیستم کارآفرینی، شرکت‌های نوپا، فرا ترکیب، کسب و کارهای فناورانه

مقدمه

کارآفرینی نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، اما تصمیم‌گیری برای کارآفرینی در محیط ایزوله و خارج از بستر محلی یا منطقه‌ای که فرد در آن حضور دارد، انجام نمی‌گیرد (Stam and Spigel, 2016). یکی از مسیرهای مهم و نیازمند توجه و اقدام در مورد بروز و رشد کارآفرینی فناورانه در کشور، اتخاذ رویکرد اکوسیستمی، به معنای در نظر گرفتن سیستم تعاملی بین موجودیت‌ها و محیط آن‌ها است (Tansley, 1935). گرچه از ابداع واژه اکوسیستم بیش از بیست سال می‌گذرد (Moore, 1993)، اما تاکنون این رویکرد در حوزه کارآفرینی فناورانه مورد مفهوم‌سازی دقیق قرار نگرفته است.

از آن‌جا که کسب و کارهای نوپا دایمان ایده‌های ناب به کسب و کار هستند، می‌توان گفت کارآفرینی جزء جدایی‌ناپذیر و اساسی کسب و کارهای نوپاست؛ چراکه بدون آن اساساً چنین شرکت‌هایی وجود نداشتند (Salamzadeh and Kesim, 2015). عوامل متعددی وجود دارد که بر ظهور چنین شرکت‌هایی مؤثر است. با این حال موفقیت در ایجاد و توسعه شرکت‌های نوپا آسان نیست. به‌طور کلی، تعیین موفقیت در جهت توسعه این شرکت‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. به‌منظور تعیین جامعه آماری مطلوب و مرتبط، شرکت‌های نوپا در این تحقیق محدود به قید "نو فناوری بنیاد" می‌شود. این شرکت‌ها که زیرمجموعه‌ای از شرکت‌های نوپا هستند و به‌طور مستقل فعالیت می‌کنند، و برخی از متخصصان نیز آن‌ها را ورودی لازم برای یک اقتصاد پویا می‌دانند، به‌عنوان مشوقان نوآوری شناخته می‌شوند (Bollinger, et al, 1983).

در ادبیات مربوط به مدل‌های اکوسیستم‌های کارآفرینی نیز، مجموعه عواملی که به توسعه شرکت‌های فناورانه نوپا اختصاص می‌یابند، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بر این اساس مسئله اصلی پیش روی این تحقیق، شناسایی و پیکره‌بندی عوامل توسعه کسب و کارهای فناورانه در اکوسیستم کارآفرینی در قالب الگوی جامع است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اکوسیستم کارآفرینی: اکوسیستم، به یک جامعه زیستی که محیطی فیزیکی آن را در بر

می گیرد و تعاملات موجود در مجموعه ای از اجزای زنده و غیرزنده را ممکن می سازد، اطلاق می شود (Acs et al, 2017). اصطلاح اکوسیستم کسب و کار نخستین بار توسط مور (۱۹۹۳)، به کار گرفته شد. منظور از اکوسیستم کسب و کار، "یک اجتماع اقتصادی پشتیبانی شده به وسیله تعامل سازمان ها، افراد و موجودات دنیای کسب و کار" است (Moore, 1993).

ادبیات توسعه کارآفرینی به سه گروه تقسیم شده است: مطالعات تأثیر عوامل فردی بر موفقیت کارآفرینانه، مطالعات تأثیر عوامل محیطی بر موفقیت کارآفرینانه و عملکرد کارآفرینی و مطالعات تأثیر فاکتورهای فردی و محیطی بر توسعه کارآفرینی. مقوله اکوسیستم جزو سومین دسته از ادبیات موجود برای توسعه کارآفرینی است (Entezari, 2015). ترویج کارآفرینی به یک اکوسیستم نیاز دارد. چنین سیستمی هم به درجه بالایی از تعامل نیاز دارد که شامل نهادها، افراد و فرآیندهایی است که با هدف ایجاد فرصت های سرمایه گذاری کارآفرینانه - که به طور متقابل سودمند و خودمختارند، کار می کنند (Berger, E., & Kuckertz, 2016). در جدول ۱، برخی از اجزای پیشنهادی اکوسیستم کارآفرینی که توسط پژوهشگران برجسته ای این حوزه تدوین شده، نشان داده شده است.

جدول ۱. اجزای پیشنهادی اکوسیستم کارآفرینی

صاحب نظران	اجزا
Gynawali & Fogel (1994)	سیاست های دولت و رویه ها، عوامل سیاسی - اقتصادی، مهارت کارآفرینی و کسب و کار، کمک های مالی و غیرمالی
Valdez & Richardson (1998)	ویژگی های محیطی، منابع (سرمایه، زمین، تسهیلات و غیره)، تأثیرات بازار، ویژگی های شخصی فرد (کارآفرین)
Isenberg (2010)	بازارها، سیاست، سرمایه انسانی، حمایت ها، فرهنگ، تأمین مالی
Feld (2012)	حمایت فرهنگی، دانشگاه ها، آموزش و تعلیم، چارچوب قانونی و زیرساختار قانونی، مربیان و مشاوران سیستم، نیروی کار و سرمایه انسانی، بازارهای قابل دسترسی
Spigel (2015)	فرهنگ حمایتی، پیشینه کارآفرینان، شبکه ها، استعداد کارکنان، نیروی سرمایه گذاری، مرشدان و الگوی نقش، سیاست ها، دانشگاه ها، بازارهای آزاد، سیستم حمایتی

شرکت های نوپا: شرکت نوپا به عنوان مرحله اولیه در ایجاد یک کسب و کار خطرپذیر یا سازمان جدید در نظر گرفته می شود و از لحاظ نوع، اندازه، شکل و دامنه متفاوت است (Salamzadeh and Kesim, 2015). چنین شرکت هایی تأثیر مثبت بر ایجاد کسب و کارهای

جدید و کل اقتصاد دارند (Motoyama et al, 2016). بنا به نظر دیف و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اکوسیستم کارآفرینی یک شتاب‌دهنده بزرگ از شرکت‌های نوپا است.

شرکت‌های نو فناوری بنیاد: اصطلاح شرکت‌های نو فناوری بنیاد^۲، به وسیله آرتور دی لیتل^۳ (۱۹۷۷) ابداع شد. او شرکت‌های نو فناوری بنیاد را شرکت‌هایی با قدمت کم‌تر از ۲۵ سال می‌داند که به منظور بهره‌برداری از نوآوری‌هایی که دارای ریسک‌های فناوری جدی هستند، ایجاد شده‌اند (Peter and Omegak, 2002). این‌گونه شرکت‌ها به‌عنوان مشوقان نوآوری شناخته می‌شوند و نوآوری‌هایی که در این شرکت‌ها صورت می‌گیرد، بیش‌تر حول محور محصول است تا فرآیند. شرکت‌های مبتنی بر تکنولوژی جدید، به دلایل متعدد نقش به‌سزایی در اقتصاد و پویایی آن دارند و برخی از متخصصان، آن‌ها را ورودی لازم برای یک اقتصاد پویا می‌دانند (Bollinger et al, 1983). با وجود اثربخشی نسبتاً قابل ملاحظه این شرکت‌ها، مطالعات تجربی متعدد نشان می‌دهد، بیشتر شرکت‌های نو فناوری بنیاد در طول زمان یا از بین می‌روند، یا کوچک باقی می‌مانند و یا تعداد اندکی از آن‌ها به شرکت‌های بزرگ‌تر تبدیل می‌شوند. بنابراین شناخت عوامل تأثیرگذار بر ظهور و تداوم فعالیت این شرکت‌ها می‌تواند تأثیر به‌سزایی در توسعه آن‌ها در سطح اقتصاد منطقه‌ای داشته باشد. پس از بررسی ویژگی شرکت‌های نوپا و مقایسه آن‌ها با شرکت‌های نو فناوری بنیاد، در پژوهش حاضر، NTBFها به‌عنوان بهترین گزینه برای توصیف جامعه آماری شرکت‌های نوپا در نظر گرفته شده‌اند. در جدول (۲)، خلاصه‌ای از ادبیات موضوع درباره‌ی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های نو فناوری بنیاد ارائه شده است:

کسب و کارهای فناورانه نوپا در اکوسیستم کارآفرینی: با توجه به اهمیت شرکت‌های نوپا و شرکت‌های نو فناوری بنیاد، و نیز با توجه به این موضوع که شرکت‌های نو فناوری بنیاد زیرمجموعه‌ای از شرکت‌های نوپا محسوب می‌شوند، و نیز به این دلیل که در ادبیات مدل‌های

1 Dif et al

2 New Technology Based Firms (NTBF)

3 Arthur D. Little

اکوسیستم کارآفرینی، مسئله توسعه شرکت های نوپا و به طور اخص شرکت های نو فناوری بنیاد، چندان مورد توجه قرار نگرفته و خلأ مدلی نظام مند برای ارزیابی و پیاده سازی موضوع اکوسیستم کارآفرینی هم راستا با شرکت های نوپای نو فناوری بنیاد در مطالعات علمی کاملاً مشهود است، در تحقیق پیش رو، برآنیم تا بر این محدودیت های مطالعاتی در حوزه توسعه شرکت های نوپای نو فناوری بنیاد در اکوسیستم کارآفرینی فائق شویم.

جدول ۲. ادبیات موضوع درباره عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت های نو فناوری بنیاد

عوامل	استراتژی و فناوری استراتژی کسب و کار	محیط سازمانی	سرمایه انسانی (کارکنان و تیم مدیریت)	تأمین مالی	مشوق ها و سیاست های حمایتی دولت	نهادهای حمایتی	شبکه سازی
صاحب نظران							
Geng Hsu et al (2005)						√	
Colombo & Grilli (2004)			√	√			
Evans (2001)					√		
Lall (2006)			√	√	√	√	
Campos et al (2013)	√						

در این راستا به منظور توسعه مدل، ابتدا باید مجموعه ای از معیارهای مورد نیاز برای تحلیل های آتی ایجاد شود. از آن جا که عوامل حیاتی برای توسعه می توانند بصیرت گسترده ای در مورد محتوای مدل های موجود فراهم کنند، در ادامه برای طراحی مدل جامع اکوسیستم کارآفرینی، عوامل حیاتی برای توسعه کسب و کارهای فناورانه نوپا بررسی شده است. همچنین، در بخش یافته های پژوهش با انجام مرور نظام مند برترین مطالعات حوزه ی اکوسیستم کارآفرینی و کسب و کارهای فناورانه و نوپا، و سپس با فراترکیب مطالعات اشاره شده در این بخش، به تفسیر و مفهوم سازی مجدد برای پیکره بندی یک دیدگاه نو در این حوزه اقدام شده است.

روش شناسی

روش تحقیق این مطالعه از نظر هدف، بنیادی و از نظر نحوه گردآوری داده ها، فراترکیب است. به بیان دیگر، این تحقیق با روش پژوهشی فراترکیب و مبتنی بر مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای فناورانه نوپا در اکوسیستم کارآفرینی صورت گرفته است. از آن جا که بیشتر مقالات در این زمینه، مطالعه کیفی و بدون داده های کمی هستند، از روش فراترکیب

به عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن ترکیب جامعی از این موضوع بر پایه‌ی ترجمه مطالعه‌های کیفی محدود استفاده شده است. برای بهره‌گیری از این روش پژوهشی، روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو، مورد استفاده قرار گرفت (شکل ۱).

برای تنظیم پرسش تحقیق، از شاخص‌های مختلفی مانند: جامعه مورد مطالعه، چه چیزی، چه موقع و چگونگی روش استفاده شده است. در این تحقیق پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. عوامل جامع مؤثر بر توسعه شرکت‌های نوپای نو فناوری بنیاد در اکوسیستم کارآفرینی چیستند؟

۲. نحوه پیکره‌بندی این عوامل (در قالب یک مدل جامع) به چه صورت است؟



شکل ۱. گام‌های متوالی روش فراترکیب (Sandelowski and Barroso, 2006)

در این مرحله با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق که شامل "Startup"، "Entrepreneurial Ecosystem" و "New Technology Based-Firms" است، به جست‌وجوی نظام‌مند مطالب منتشرشده در مجله‌های معتبر خارجی Scopus و Web of Science، با هدف تعیین اسناد معتبر و مرتبط در محدوده زمانی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸

۱ شرکت نوپا

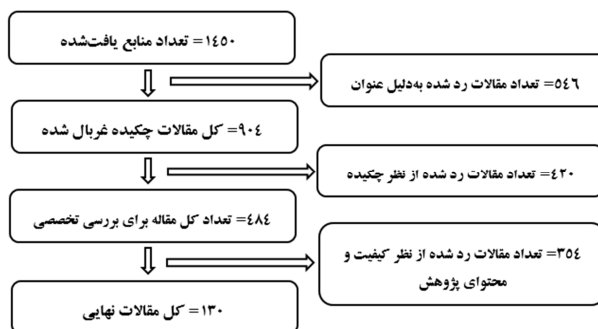
۲ اکوسیستم کارآفرینی

۳ شرکت‌های فناورانه

پرداخته شد.

در فرآیند جست و جو، مؤلفه‌های مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا، جزئیات مقاله (نام نویسنده، سال) و غیره در نظر گرفته شده و مقالاتی که با پرسش و هدف پژوهش تناسب نداشتند، حذف شدند. معیار پذیرش و رد مطالعات، شامل زبان پژوهش، شرایط مطالعه، جامعه مطالعه و نوع مطالعه بود. مقالات یافت شده اولیه برای انجام فراترکیب، بیش از ۱۴۵۰ عدد بود. از این میان، پس از بررسی عنوان مقاله‌های نمایه شده با توجه به موضوع، چکیده، پرسش، هدف تحقیق و زمینه توسعه شرکت‌های نوپا، حدود ۴۸۴ مقاله مورد بررسی دقیق تر قرار گرفتند.

۴۸۴ مقاله یاد شده از طریق فهرست COREQ 32-item، که ابزاری برای ارزیابی منابع مورد بررسی در روش‌های کیفی است (Tong et al, 2007)، ارزیابی شدند. این کار همچنین به کمک گروه کانونی تحقیق، که شامل ۵ نفر از استادان داخلی و ۹ نفر از استادان خارجی متخصص در مدیریت و کارآفرینی بودند، انجام شد. علاوه بر این، مقاله‌ها برای انجام اصلاحات چندباره و اعتباریابی یا بازبینی، بر اساس معیار کیفیت و میزان ارتباط با موضوع پژوهش، مورد ارزیابی قرار گرفتند و در سه دسته بالا، متوسط و ضعیف دسته بندی شدند. در این میان ۳۹ مقاله بیش از ۲۸ امتیاز (سطح بالا)، ۹۱ مقاله بین ۲۲ تا ۲۷ (سطح متوسط) و بقیه کمتر از ۲۲ امتیاز (سطح پایین) گرفتند. در نهایت با توجه به معیارهای گفته شده، ۱۳۰ مقاله مهم تر که کیفیت بالا و متوسط داشتند، برای استخراج اطلاعات انتخاب شدند.



شکل ۲. خلاصه‌ای از نتایج جست و جو و انتخاب متون مناسب

در این تحقیق، برای مرحله تجزیه و تحلیل و همچنین ارائه یافته‌های نهایی فراترکیب، از روش تحلیل زمینه بهره گرفته شده است. تحلیل زمینه، روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (زمینه‌ها) موجود درون داده‌هاست. این روش داده‌ها را سازمان‌دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند. فراتر از این، می‌تواند جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق را نیز تفسیر کند (Thomas, 2003). کلارک و برون^۱ (۲۰۰۶)، فرآیندی شش مرحله‌ای برای تحلیل زمینه سامان داده‌اند که شامل: آشنایی با داده‌ها، ایجاد گداهای اولیه (اکتساب ۳۵۰ گد مفهومی اولیه)، و جست‌وجوی گداهای گزینش (اکتساب ۱۵۴ گد گزینشی) است.

جدول ۳. نمونه‌ای از گداهای مفهومی مستخرج از چند مقاله مورد بررسی

عنوان مقاله	عبارات موجود در مقالات	گد مفهومی (شاخص‌ها)
Examining Entrepreneurial Intention in Higher Education: An Exploratory Study of College Students in India	"مؤسسه‌های آموزش عالی جزئی از اکوسیستم کارآفرینی هستند که با برنامه‌های آموزشی خاص، به‌منظور توسعه مهارت‌ها و قصد کارآفرینی، نقش مهمی در آماده‌سازی کارآفرینان آینده ایفا می‌کنند."	نقش مؤسسات آموزش عالی در آماده‌سازی و شکل‌گیری کارآفرینی و حمایت از اکوسیستم کارآفرینی و شرکت‌های نوپا (ایجاد قصد کارآفرینی)
The Social Organization of Entrepreneurial Ecosystems	"شتاب‌دهنده‌ها، برنامه‌های آموزشی و انگیزشی را برای شرکت‌های نوپا برگزار می‌کنند و آن‌ها را به انواع مختلف مربیان، شرکت‌های خطرپذیر (VCs)، سرمایه‌گذاران فرشته و مدیران شرکت‌های بزرگ و غیره متصل می‌نمایند."	نقش شتاب‌دهنده‌ها در اکوسیستم کارآفرینی
Digital affordances, spatial affordances and the genesis of entrepreneurial ecosystems	"سیاست‌گذاران باید رویکردهای جدیدی برای تحریک اکوسیستم‌های کارآفرینی در حال توسعه، و توسعه خوشه‌های صنعتی داشته باشند."	نقش سیاست‌گذاران در تحریک کارآفرینی

شکل‌گیری زمینه‌های فرعی (مؤلفه‌ها): (اکتساب ۱۲ مؤلفه در این مرحله).
 تعریف و نام‌گذاری زمینه‌های اصلی: (اکتساب ۳ زمینه اصلی سطح کلان، میانی و خرد، تقریباً مشابه مدل‌های ارائه‌شده توسط (Isenberg, 2011) و (Felores, 2017) در این مرحله).
 بازبینی نهایی و تهیه گزارش: نتایج نهایی این مرحله که نتیجه نهایی پژوهش و فراترکیب نیز است، در بخش یافته‌ها ارائه شده است. مدل طراحی‌شده شامل ۳ بُعد و ۱۲ مؤلفه

است که پس از تکمیل مراحل روش فرا ترکیب، در جلسه‌های گروه کانونی با خبرگان ارائه شد. در این جلسات تمام سه سطح مدل مورد بررسی قرار داده شد و تغییری روی آن‌ها انجام نگرفت. در واقع، ابعاد و مؤلفه‌های جدید به مدل اضافه یا کسر نشد. روایی مدل حاضر، از طریق روایی محتوا حاصل شده و از دو جنبه صورت گرفته است: اول، استفاده از اجزا و عوامل مدل‌های ارائه شده‌ی پیشین که به روایی مدل منجر می‌شود. دوم، تشکیل جلسه‌های گروه کانونی و ارائه مدل در این جلسه‌ها به متولیان کارآفرینی و مدیریت. همچنین عدم تغییر در مدل، نشان‌دهنده روایی آن است. به منظور سنجش پایایی مدل طراحی شده، مجدداً از شاخص کاپا استفاده شده که در این مرحله مقدار این شاخص برابر با ۰/۶۹، در سطح توافق، معتبر است.

یافته‌ها

بعد از انجام روش فرا ترکیب و تصدیق اعتبار کیفیت یافته‌ها، با مشورت خبرگان و بهبود دسته‌بندی عوامل به کمک تجربه نویسندگان و خبرگان، اطلاعات به دست آمده و نحوه قرارگیری مؤلفه‌های هر سطح، با روش تحلیل زمینه ارزیابی شد. همچنین به منظور شناسایی مؤلفه‌های هم‌ارز و قرارگیری در بُعد مربوط به خود، مطابق روش کلارک و براون (۲۰۰۶)، مورد مقایسه و تصدیق قرار گرفت. در نهایت برای دستیابی به مدل تحقیق، از رویکرد چندلایه‌ای^۱ (MLP) استفاده شد. این کار سبب نام گذاری سه بُعد اکوسیستم کارآفرینی طراحی شده (حاصل از فرا ترکیب مطالعات صورت گرفته)، با اسامی "خرد، میانی و کلان" از منابعی مانند (Theodoraki and Messeghem, 2018) و (Goswami et al, 2018) شده است. بنابراین در راستای پاسخگویی به پرسش اول تحقیق، یعنی شناسایی عوامل جامع مؤثر بر توسعه شرکت‌های نوپای نو فناوری بنیاد در اکوسیستم کارآفرینی، یافته‌های زیر از فرا ترکیب مطالعات این حوزه به دست آمده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

سطح خرد، معطوف به بازیگران و ویژگی و شایستگی های فردی و همچنین عناصر فرهنگی و اجتماعی حاصل از منابعی همچون (Sanwar and Neumeyer and Santos, 2018) و (Sunny, 2017، Audretsch and Belitski, 2017) و (Spigel, 2015) است که حاصل آن، ۳ مؤلفه نهایی شامل "عوامل فردی"، "بازیگران و ذی نفعان" و "فرهنگ و اجتماع" است. نقش مؤلفه عوامل فردی: خاستگاه کارآفرینی، ویژگی ها و صفات شخصی است. به طور کلی، ویژگی های فردی و انگیزه مالک برای شروع و اجرای یک کسب و کار، بر رشد شرکت تأثیر می گذارد (زالی و همکاران، ۲۰۱۳). در این تحقیق، مؤلفه عوامل فردی شامل دو مفهوم ذاتی و اکتسابی است.

نقش مؤلفه بازیگران و ذی نفعان: مجموعه به هم پیوسته ای از بازیگران و ذی نفعان کارآفرینی (بالقوه و موجود)، برای توسعه کارآفرینی الزامی است (Mason and Ross, 2014). در این تحقیق، مؤلفه بازیگران و ذی نفعان شامل دو مفهوم دولتی و غیردولتی است. نقش مؤلفه فرهنگ و اجتماع: از آن جا که مزیت های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی، بر نرخ ایجاد و شکست کسب و کارهای نوپا در یک منطقه تأثیر گذار است، کارآفرینی هم باید در زمینه های متفاوتی که در آن ظهور می یابد، فهم شود (Jennings et al, 2015; Zahra, 2008; Welter, 2011). در این تحقیق، مؤلفه فرهنگ و اجتماع شامل دو مفهوم یادگیری و انگیزشی - حمایتی است.

سطح میانی، اشاره به جمعیتی دارد که مانند یک جامعه یا سازمان بین سطوح خرد و کلان قرار گرفته و ارتباط بین این دو را برقرار می سازد. این یک جامعه متنوع از تمهیدات سازمانی و سرمایه گذاری تا انکوباتور و شتاب دهنده هاست که از منابعی همچون (Basole et al, 2013) و (Neumeyer et al, 2017) به دست آمده و نتیجه ی آن، ۵ مؤلفه نهایی شامل "عوامل سازمانی"، "انکوباتورها"، "شتاب دهندگان"، "نهادهای" و "سرمایه گذاران" است.

نقش مؤلفه عوامل سازمانی: شفاف بودن اهداف سازمانی، فراهم بودن امکان پیشرفت شغلی و محیط کاری خلاق و نوآور، از جمله عوامل درونی مؤثر بر محیط سازمانی هستند (قاضی نوری و آزادگان، ۱۳۸۷). در این تحقیق، مؤلفه عوامل سازمانی شامل سه مفهوم محیط، منابع و امکانات است.

نقش مؤلفه *انکوباتورها*: انکوباتورها یا مراکز رشد، با تشویق و ارتقای رشد و پرورش بنگاه‌های تازه تأسیس و ایده‌های کارآفرینانه‌ی خوش‌آتیه، مکانیزمی برای بالابردن توسعه‌ی اقتصادی و تکنولوژیکی یک کشور شناخته می‌شوند (Grimaldi and Grandi, 2005). در این تحقیق، مؤلفه *انکوباتورها* شامل پنج مفهوم حمایت اجتماعی و نهادی، حمایت فیزیکی، حمایت مالی، حمایت دانشی و حمایت حقوقی و معنوی است.

نقش مؤلفه *شتاب‌دهندگان*: مراکز شتاب‌دهنده، به واسطه‌ی کاهش هزینه‌های کارآفرین برای یافتن مربی و فراهم کردن زمینه‌ها و پتانسیل‌های جذب سرمایه‌ی بیشتر، موجب افزایش سرمایه انسانی شرکت‌های نوپای فناور می‌شوند (Wu, 2011). در این تحقیق، مؤلفه شتاب‌دهندگان شامل دو مفهوم خدمات سرمایه‌ای و خدمات آموزشی و ارتباطی است.

نقش مؤلفه *نهادها*: بنابر نظر سانجایا^۱ (۲۰۰۸)، وجود نهادهای حمایتی، توسعه قابلیت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این نهادها می‌توان به مؤسسات تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، مؤسسات مشاوره، ارائه خدمات پشتیبانی و اطلاعات فنی، چارچوب‌های قانونی حمایت از فعالیت صنعتی و حقوق مالکیت اشاره کرد. در این تحقیق، مؤلفه نهادها شامل دو مفهوم رسمی و غیررسمی است.

نقش مؤلفه *سرمایه‌گذاران*: یکی از مسائل مهم مؤسسات کارآفرینانه از قبیل شرکت‌های نوپا، توانایی آن‌ها در دسترسی به سرمایه است. از آن‌جا که چنین شرکت‌هایی معمولاً ابتدا سودآور نیستند و دارایی‌های ملموس کمی دارند، قرض‌دهندگان و سرمایه‌گذاران اعتماد زیادی به آن‌ها ندارند. در نتیجه، کارآفرینان برای دستیابی به منابع اولیه تأمین مالی سهام بیرونی، به وجوه سرمایه‌گذاران خطرپذیر، سرمایه‌گذاران فرشته و سرمایه‌گذاران شرکتی تکیه می‌کنند (Mason and Harrison, 2008; Denis, 2004). در این تحقیق، مؤلفه سرمایه‌گذاران شامل دو مفهوم (سرمایه) اجتماعی و (سرمایه) غیراجتماعی یا مادی است.

سطح کلان، تجزیه و تحلیل‌های این سطح به‌طور کلی نتایج تعاملات، مانند تعاملات اقتصادی و سایر منابع، را با اعمال نفوذ مقامات رسمی، از قبیل سیاست‌گذاران، دولت‌ها،

مراجع آکادمیک، دانشگاه‌ها و غیره، در یک جمعیت بزرگ پیگیری می‌کند که حاصل از منابعی همچون (Yan and Guan, 2018)، (Bischoff et al, 2017) و (Leyden and Link, 2014) بوده و نتیجه آن، ۴ مؤلفه شامل "سیاست‌گذاران"، "مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها"، "حمایت‌گران" و "بازارها" است.

نقش مؤلفه سیاست‌گذاران: سیاست کارآفرینی بر دو مسئله اصلی تمرکز می‌کند: امیدبخشی بیشتر کارآفرینان برای ورود به بازار و ایجاد رشد در کسب‌وکارهای جدید (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵). به عنوان نمونه، می‌توان به چارچوب سیاست کارآفرینی آنکتاد^۱ اشاره کرد که حوزه‌های مهم تأثیرگذار بر فعالیت‌های کارآفرینانه را که شامل بهینه‌سازی محیط، توسعه مهارت‌ها، افزایش آموزش کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی، ارتقای آگاهی و ایجاد ارتباط است، شناسایی کرده است (Moghadam, 2017). در این تحقیق، مؤلفه سیاست‌گذاران شامل دو مفهوم دولت و رهبری است.

نقش مؤلفه مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها: این مراکز به توسعه سرمایه انسانی یک منطقه کمک می‌کنند، هم‌زمان ذهنیت کارآفرینانه را در دانشجویان پرورش می‌دهند و آن‌ها را به راه‌اندازی کسب‌وکار مخاطره‌آمیز جدید یا کار در آن‌ها تشویق می‌کنند (Spigel, 2015). در این تحقیق، مؤلفه مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها شامل دو مفهوم برنامه‌های آموزشی و خدمات جانبی است.

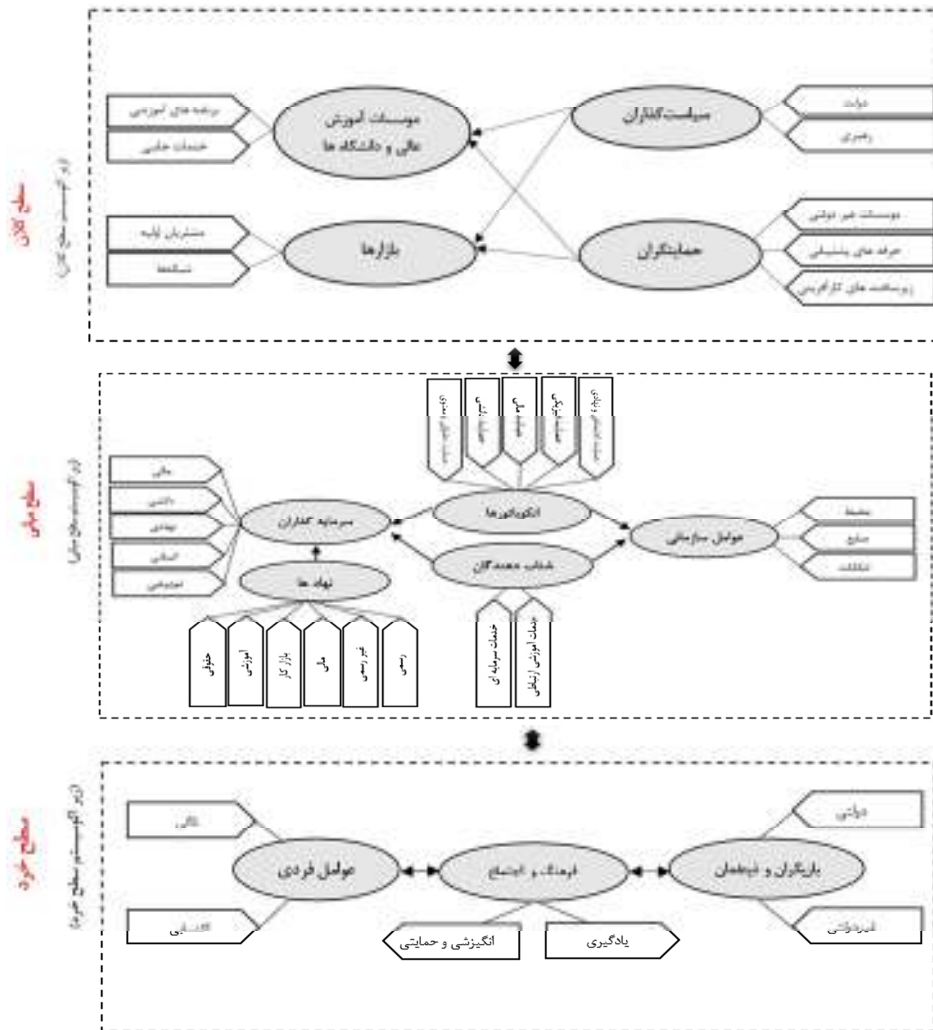
نقش مؤلفه حمایت‌گران: به‌زعم لی و همکاران^۲ (۲۰۰۴)، ارائه خدمات پشتیبانی به وسیله انواع مختلفی از میانجی‌ها، می‌تواند به‌صورتی پایدار، موانع ورود به طرح‌های کارآفرینی را کاهش داده و از زمان ورود به بازار نوآوری بکاهد. در این تحقیق، مؤلفه حمایت‌گران شامل سه مفهوم مؤسسات غیردولتی، حرفه‌های پشتیبانی و زیرساخت‌های کارآفرینی است.

نقش مؤلفه بازارها: حضور مشتریان محلی با نیازهای تخصصی، فرصت‌هایی برای کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید ایجاد کرده و شرکت‌های زایشی را تشویق می‌کند

1 UNCTAD's Entrepreneurship Policy Framework

2 Lee et al

(Spigel, 2015). در این تحقیق، مؤلفه بازارها شامل دو مفهوم مشتریان اولیه و شبکه‌ها است.



شکل ۳. مدل اکوسیستم کارآفرینی برای توسعه کسب و کارهای فناورانه نوپا

در راستای پاسخ‌گویی به پرسش دوم تحقیق، یعنی نحوه پیکره‌بندی این عوامل، با توجه به مطالب یادشده و پس از مشورت با خبرگان، ۱۵۴ شاخص (کُد‌گزینشی) شناسایی شد. سپس عوامل توسعه کسب و کارهای فناورانه نوپا در یک اکوسیستم کارآفرینی، در قالب ۱۲ مؤلفه

(زمینه) و ۳ بُعد اصلی (زمینه اصلی) دسته بندی شد. از ۱۵۴ شاخص شناسایی شده، ۳۸ شاخص در سطح خُرد، ۶۵ شاخص در سطح میانی و ۵۱ شاخص در سطح کلان قرار گرفتند. در شکل (۳)، نتایج نهایی روش فراترکیب ارائه شده است.

بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر، با استفاده از روش فراترکیب، عوامل جامع توسعه این گونه شرکت‌ها، در ۳ بُعد اصلی شامل سطح خُرد، سطح میانی و سطح کلان و ۱۲ مؤلفه شامل سیاست گذاران، مؤسسه‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها، حمایت‌گران، بازارها، عوامل سازمانی، انکوباتورها، شتاب‌دهندگان، سرمایه گذاران، نهادها، بازیگران و ذی‌نفعان، فرهنگ و اجتماع و عوامل فردی، و همچنین ۱۵۴ شاخص شناسایی و طبقه بندی شدند. نتایج استفاده از شاخص کاپا، برای تأیید اعتبار عوامل شناسایی شده، حاکی از این بود که تمام ۱۲ مؤلفه شناسایی شده از عوامل مؤثر محسوب می‌شوند. عوامل اثرگذار بر توسعه شرکت‌های نوپای نو فناوری بنیاد که در یک اکوسیستم کارآفرینی سهم دارند و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، عبارتند از:

در سطح کلان: ۴ مؤلفه سیاست گذاران (دولت، رهبری)، مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها (برنامه‌های آموزشی، خدمات جانبی)، حمایت‌گران (مؤسسات غیردولتی، حرفه‌های پشتیبانی، زیرساخت‌های کارآفرینی) و بازارها (مشتریان اولیه، شبکه‌ها).

در سطح میانی: ۵ مؤلفه عوامل سازمانی (محیط، منابع، امکانات)، انکوباتورها (حمایت‌های اجتماعی و نهادی، مالی، دانشی، حقوقی و معنوی)، شتاب‌دهندگان (خدمات سرمایه‌ای، آموزشی و ارتباطی)، سرمایه گذاران (سرمایه‌های اجتماعی و غیراجتماعی (مادی)) و نهادها (رسمی و غیررسمی).

در سطح خُرد: ۳ مؤلفه فرهنگ و اجتماع (یادگیری، انگیزشی و حمایتی)، عوامل فردی (ذاتی و اکتسابی) و بازیگران و ذی‌نفعان (دولتی و غیردولتی).

این تحقیق نشان داد، سیاست گذاران با اعمال نفوذ بر بدنه‌ی اقتصادی و سیاسی جوامع، ارائه راهبردهای توسعه کارآفرینی و اعطای مشوق‌های مالی و غیره (Isenberg, 2011; Maroufkhani, 2018; Spigel, 2015)، مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها، با ارائه آموزش‌های

همه جانبه‌ی کارآفرینی و تربیت سرمایه انسانی (Isenberg, 2011; Pandit et al, 2018; Spigel, 2015)، **حمایت‌گران** با ارائه انواع مشاوره‌های حسابداری، مالی و حقوقی، زیرساخت‌های مرتبط با انرژی و ارتباطی و دسترسی به نیروی کار متخصص و غیرمتخصص (Isenberg, 2011; Groth, 2015; Spigel, 2015)، **بازارها** با برقراری دسترسی به کانال‌های توزیع، فروشندگان و شبکه‌ی کارآفرینان (Isenberg, 2014; Fuerlinger et al et al, 2015)، در سطح کلان یک اکوسیستم کارآفرینی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

همچنین، **سرمایه‌گذاران** با تسهیل سرمایه‌گذاری خطرپذیر، به‌ویژه در مراحل ابتدایی راه‌اندازی و توسعه کسب و کار (Fuerlinger et al, 2015; OECD, 2015; Spigel, 2015)، **عوامل سازمانی**، با فراهم آوردن امکانات مختلف و مهارت‌ها، استراتژی‌ها و تعاملات افقی و عمودی در راستای ایجاد محیط کاری نوآور و پیشرفت شغلی (et al, Zabala, 2006 Auschra, 2018)، **انکوباتورها**، با فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای ایجاد، رشد و توسعه شرکت‌های نوظهور و ارائه حمایت‌های مختلف معنوی و مادی (Silva et al, 2018; Bank et al, 2017; Tietz & Engelhardt, 2015)، **شتاب‌دهندگان**، با ارائه‌ی منابع ضروری، حمایت‌های نهادی فرآیند رشد، تسهیل تبدیل ایده به کسب و کار و ورود به بازار (Goswami, 2018)، **فهادها**، با ایجاد ظرفیت نوآوری، حمایت‌های گسترده، توسعه قابلیت‌ها، انجام فعالیت‌های ترویجی و ارائه مشاوره‌های لازم (Zabala et al, 2006)، در سطح میانی اکوسیستم کارآفرینی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

در نهایت **فرهنگ و اجتماع**، با ارائه نمونه‌ها و داستان‌های موفقیت کارآفرینی و لزوم توجه به نوآوری، خلاقیت و تجربه به‌عنوان یک هنجار (Spigel, 2015)، **بازیگران و ذی‌نفعان**، که به‌طور رسمی یا غیررسمی برای اتصال، واسطه‌گری و کنترل عملکرد درون محیط کارآفرینانه حضور دارند (Mason and Brown, 2014)، و **عوامل فردی**، مانند قصد و روح کارآفرینی، انگیزه، استقلال، اشتیاق، جاه‌طلبی و تحمل شکست، از اساسی‌ترین الزامات هر نوع فعالیت کارآفرینانه (Kuschel Maria et al, 2017) هستند که در سطح خرد یک اکوسیستم کارآفرینی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

پیشنادهای پژوهش

الف) پیشنهاد اجرایی

از آن جا که هر اکوسیستم کارآفرینی، دربرگیرنده عوامل کلیدی به هم پیوسته ای است که در تعامل دائمی با یکدیگرند و متقابلاً موجب تقویت هم می شوند، پیشنهاد می شود برای توسعه هر کسب و کار فناورانه نوپا، رویکرد سیستمی در ذهن و عمل در نظر گرفته شود. در نتیجه ی تعاملات دوطرفه ای که این مؤلفه های توسعه گر با یکدیگر دارند، شاهد هم افزایی هر چه بیشتر، رشد و شکوفایی این شرکت ها و در نهایت پیشرفت اقتصادی جوامع و کشورها خواهیم بود.

ب) پیشنهاد پژوهشی

از جمله پیشنهادها برای تحقیقات آتی، اعمال روش های کمی، مانند روش ساختاری تفسیری، و انجام پیمایش هایی در پارک های علم و فناوری و شرکت های نوپای نو فناوری بنیاد برای اولویت بندی ترتیب اثرگذاری این عوامل است. همچنین پیشنهاد می شود، مؤلفه های شناسایی شده در این تحقیق و نحوه اثرگذاری آنها، به تفکیک در صنایع مختلف بررسی و تحلیل شوند.

محدودیت های تحقیق

از جمله محدودیت های این تحقیق می توان به ضعف مطالعات نظری، به ویژه مطالعات تجربی کافی، در زمینه شرکت های نوپا و نو فناوری بنیاد و عوامل مؤثر بر توسعه آنها اشاره کرد که موجب عدم امکان مقایسه نتایج تحقیق با دیگر مطالعات مرتبط شده است.

منابع

قاضی نوری، سید سروش و آزادگان، ماندانا (۱۳۸۷). "تخصص و مشارکت، نیازهای مراکز رشد برای حمایت از شرکت های تازه تأسیس فناوری محور". *مجموعه مقالات سومین کنفرانس مدیریت فناوری*، ۳، ۱-۱۰.

قنبری، رضوان؛ آگهی، حسین؛ علی بیگی، امیرحسین و زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۵). "واکاوی محتوای سیاست ها در تطابق با ابعاد اکوسیستم کارآفرینی". *توسعه کارآفرینی*، ۳ (۱)، ۳۹-۵۸.

- ACS, Z., Stam, E., Audretsch, D., Connor, A. (2017). The lineages of the entrepreneurial ecosystem approach. *Small Business Economics*. 44 (1), 1-10.
- Arjanti, R. A., & Mosal, R. L. (2012). *Startup Indonesia: Inspirasi dan pelajaran dari para pendiri bisnis digital*. Kompas Penerbit Buku, Jakarta.
- Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2017). Entrepreneurial ecosystems in cities: establishing the framework conditions. *The Journal of Technology Transfer*, 42(5), 1030-1051.
- Auschra, C. (2018). Barriers to the integration of care in inter-organisational settings: a literature review. *International journal of integrated care*, 18(1).
- Basole, R. C., Seuss, C. D., & Rouse, W. B. (2013). IT innovation adoption by enterprises: Knowledge discovery through text analytics. *Decision Support Systems*, 54(2), 1044-1054.
- Berger, E., & Kuckertz, A. (2016). Female entrepreneurship in startup ecosystems worldwide. *Journal of Business Research*. 69 (11), 7102-7102.
- Bollinger, L., Hope, K., & Utterback, J. M. (1983). A review of literature and hypotheses on new technology-based firms. *Research policy*, 12(1), 1-14.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Campos, H. M., Alvarado Acuña, L. S., de la Parra, J. P. N., & Aguilar Valenzuela, F. A. (2013). Entrepreneurial Orientation in Mexican Microenterprises. *Journal of Entrepreneurship, Management & Innovation*, 9(3).
- Colombo, M. G., Delmastro, M., & Grilli, L. (2004). Entrepreneurs' human capital and the start-up size of new technology-based firms. *International journal of industrial organization*, 22(8-9), 1183-1211.
- Denis, D. J. (2004). Entrepreneurial finance: an overview of the issues and evidence. *Journal of corporate finance*, 10(2), 301-326.
- Dif, A., Bourane, S., & Benziane, A. (2018, July). The role of the startup competition and entrepreneurial ecosystem in the integration of entrepreneurship education within the Algerian universities. In *International*

- Conference on Applied Human Factors and Ergonomics* (pp. 140-149). Springer, Cham.
- Entezari, Y. (2015). *Building knowledge-based entrepreneurship ecosystems: Case of Iran*. *Procedia-social and behavioral sciences*, 195, 1206-1215.
- Evans, M., Stoddart, H., Condon, L., Freeman, E., Grizzell, M., & Mullen, R. (2001). Parents' perspectives on the MMR immunisation: a focus group study. *Br J Gen Pract*, 51(472), 904-910.
- Feld, B. (2012). *Startup communities: Building an entrepreneurial ecosystem in your city*. John Wiley & Sons.
- Fürlinger, K., Glass, C., Gracia, J., Knüpfer, A., Tao, J., Hünich, D., ... & Zhou, H. (2014, August). DASH: Data structures and algorithms with support for hierarchical locality. In *European Conference on Parallel Processing* (pp. 542-552). Springer, Cham.
- Gnyawali, D. R., & Fogel, D. S. (1994). Environments for entrepreneurship development: key dimensions and research implications. *Entrepreneurship theory and practice*, 18(4), 43-62.
- Grimaldi, R., & Grandi, A. (2005). Business incubators and new venture creation: an assessment of incubating models. *Technovation*, 25(2), 111-121.
- Hsu, Y. G., Shyu, J. Z., & Tzeng, G. H. (2005). Policy tools on the formation of new biotechnology firms in Taiwan. *Technovation*, 25(3), 281-292.
- Isenberg, D. J. (2010). How to start an entrepreneurial revolution. *Harvard business review*, 88(6), 40-50.
- Jennings, J.E. et al., (2015). Emotional arousal and entrepreneurial outcomes: Combining qualitative methods to elaborate theory. *Journal of Business Venturing*, 30(1), 113-130.
- Lall, S. V., Selod, H., & Shalizi, Z. (2006). *Rural-urban migration in developing countries: A survey of theoretical predictions and empirical findings*. The World Bank.
- Lee, S. Y., Florida, R., & Acs, Z. (2004). Creativity and entrepreneurship: a regional analysis of new firm formation. *Regional studies*, 38(8), 879-891.
- Leyden, D. P., Link, A. N., & Siegel, D. S. (2014). A theoretical analysis of the role of social networks in entrepreneurship. *Research Policy*, 43(7), 1157-1163.
- Lindel, Peter., Lsten, Hans Omegak, (2002). Growth, management and financing of new technology based-firms assessing value-added contributions of firms located on and & Science Parks, omega, 30(3), 143 - 154.
- Mason, C. M., & Harrison, R. T. (2008). Measuring business angel investment activity in the United Kingdom: a review of potential data sources. *Venture Capital*, 10(4), 309-330.
- Mason, C., & Brown, R. (2014). Entrepreneurial ecosystems and growth oriented entrepreneurship. *Final Report to OECD, Paris*, 30(1), 77-102.

- Moghadam, S. J. (2017). Entrepreneurship Policy in Iran. In *Iranian Entrepreneurship*. Springer, Cham, 15-39.
- Moore, J. F. (1993). Predators and Prey: A New Ecology of Competition. *Harvard Business Review*, 71(3), 75-86.
- Motoyama, Y., & Knowlton, K. (2016). Examining the Connections within the Startup Ecosystem: A Case Study of St. Louis. *Entrepreneurship Research Journal, De Gruyter*, 7(1), 1-23.
- Neumeyer, X., & Santos, S. C. (2018). Sustainable business models, venture typologies, and entrepreneurial ecosystems: A social network perspective. *Journal of cleaner production*, 172, 4565-4579.
- Pandit, H., Jenkins, C., Gill, H. S., Barker, K., Dodd, C. A. F., & Murray, D. W. (2011). Minimally invasive Oxford phase 3 unicompartmental knee replacement: results of 1000 cases. *The Journal of bone and joint surgery. British volume*, 93(2), 198-204.
- Salamzadeh, A., & Kawamorita Kesim, H. (2015). *Startup companies: life cycle and challenges*. In 4th International conference on employment, education and entrepreneurship (EEE), Belgrade, Serbia, 1-12.
- Salamzadeh, A., & Kawamorita Kesim, H. (2017). The enterprising communities and startup ecosystem in Iran. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 11(4), 456-479.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
- Sarma, S., & Sunny, S. A. (2017). Civic entrepreneurial ecosystems: Smart city emergence in Kansas City. *Business Horizons*, 60(6), 843-853.
- Sanjaya, I. P. S. (2008). Auditor Eksternal, Komite Audit, dan Manajemen Laba Sanjaya. *The Indonesian Journal of Accounting Research*, 11(1).
- Spigel, B. (2015). The Organization of Entrepreneurial Ecosystems, *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 41(1), 49-27.
- Spigel, B., & Harrison, R. (2018). Toward a process theory of entrepreneurial ecosystems. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 12(1), 151-168.
- Stam, F. C., & Spigel, B. (2016). Entrepreneurial ecosystems. *USE Discussion paper series*, 16(13), 1-15.
- Tansley, A.G. (1935). The use and abuse of vegetational terms and concepts. *Ecology*, 16 (3), 284-307.
- Theodoraki, C., Messeghem, K., & Rice, M. P. (2018). A social capital approach to the development of sustainable entrepreneurial ecosystems: an explorative study. *Small Business Economics*, 1-18.
- Thomas, David R., (2003), *A General Inductive Approach for Qualitative Data Analysis*, University of Auckland, New Zealand.
- Tietz, S., & Engelhardt, B. (2015). Brain barriers: crosstalk between complex tight junctions and adherens junctions. *J Cell Biol*, 209(4), 493-506.

- Tong, A., Sainsbury, P., & Craig, J. (2007). Consolidated criteria for reporting qualitative research (COREQ): a 32-item checklist for interviews and focus groups. *International journal for quality in health care*, 19(6), 349-357.
- Valdez, M. E., & Richardson, J. (2013). Institutional determinants of macro-level entrepreneurship. *Entrepreneurship theory and practice*, 37(5), 1149-1175.
- Welter, F. (2011). Contextualizing entrepreneurship—conceptual challenges and ways forward. *Entrepreneurship theory and Practice*, 35(1), 165-184.
- Welter, F., (2011). Contextualizing Entrepreneurship—Conceptual Challenges and Ways Forward. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 35(1), 165–184.
- Wouters, M., & Kirchberger, M. A. (2015). Customer value propositions as interorganizational management accounting to support customer collaboration. *Industrial Marketing Management*, 46, 54-67.
- Wu, A. (2011). *Do Startup Accelerators Deliver Value? The Economics of Creating Companies*. MIT Entrepreneurship Review.
- Yu, L., Yang, J. F., Guan, B. Y., Lu, Y., & Lou, X. W. (2018). Hierarchical Hollow Nanoprisms Based on Ultrathin Ni-Fe Layered Double Hydroxide Nanosheets with Enhanced Electrocatalytic Activity towards Oxygen Evolution. *Angewandte Chemie International Edition*, 57(1), 172-176.
- Zabala, A., Churrua, I., Fernández-Quintela, A., Rodríguez, V. M., Macarulla, M. T., Martínez, J. A., & Portillo, M. P. (2006). Trans-10, cis-12 Conjugated linoleic acid inhibits lipoprotein lipase but increases the activity of lipogenic enzymes in adipose tissue from hamsters fed an atherogenic diet. *British journal of nutrition*, 95(6), 1112-1119.
- Zahra, S.A., (2007). Contextualizing theory building in entrepreneurship research. *Journal of Business Venturing*, 22(3), 443–452.
- Zali, M. R., Faghih, N., Ghotbi, S., & Rajaie, S. (2013). The effect of necessity and opportunity driven entrepreneurship on business growth. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 7(2), 100-108.